



تحلیل عوامل تربیتی کنترل غرایز جنسی در قرآن کریم

تحليل العوامل التربوية للسيطرة على الغرائز الجنسية في القرآن الكريم

An Analysis of the Educational Factors for Controlling Sexual Instincts in the Holy Qur'an

Kur'an-ı Kerim'de Cinsel Dürtülerin Kontrolüne Yönelik Eğitimsel Faktörlerin Analizi

بهرام الدین محقق^۱

چکیده

کنترل غرایز جنسی یکی از مهمترین مسائل تربیتی در جوامع اسلامی است که قرآن کریم به آن توجه ویژه‌ای دارد. در جوامع معاصر، عدم توانایی مهار صحیح این غریزه و ناکارآمدی برخی روش‌های مقابله با آن، یکی از چالش‌های مهم اجتماعی و اخلاقی محسوب می‌شود. هدف این پژوهش بررسی عوامل تربیتی مؤثر در کنترل غرایز جنسی از منظر قرآن کریم و ارائه راهکارهای عملی بر اساس آموزه‌های قرآنی است. از جمله این عوامل می‌توان به رعایت حجاب و پوشش اسلامی، پرهیز از اختلاط غیر ضروری زن و مرد، رعایت آداب ورود و کسب اجازه، نهی از رفتارهای تحریک‌آمیز، تسهیل ازدواج و ترویج ساده‌زیستی، امتناع از دوستی با جنس مخالف، حرمت مقدمات زنا، کنترل نگاه، محدودیت در خروج غیر ضروری از خانه و نظارت بر رفتار اجتماعی زنان و دختران اشاره کرد. بررسی این آموزه‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم با ارائه راهکارهای عملی و مؤثر، بنیان‌های کنترل غرایز جنسی و اجتماعی سالم را برای افراد و جامعه ترسیم کرده است. قابل ذکر است که تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. کلمات کلیدی: تربیت، عوامل، غرایز جنسی، قرآن کریم، کنترل.

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2025.128>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

13.02.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

13.04.2025

تاریخ نشر / Publication Date

22.07.2025

^۱ نامزد پوهنیار، دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، موسسه تحصیلات عالی نیمروز، نیمروز، افغانستان.

ORCID

0009-0006-4311-9505

E-Mail

bahramaddinmohaqqeq@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین

Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت

ادبی تثبیت نگردید.

This article has been scanned by
Turnitin. No Plagiarism detected.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation:

بهرام الدین محقق "تحلیل عوامل تربیتی کنترل غرایز جنسی در قرآن کریم"، مجله دیوان ۲/۶ (سرطان ۱۴۰۴)، ۱۹۹-۲۲۵.

الملخص

يُعتبر التحكم في الغرائز الجنسية من أهم القضايا التربوية في المجتمعات الإسلامية، وقد أولى القرآن الكريم لهذه القضية اهتماماً خاصاً. في المجتمعات المعاصرة، تُعد عدم القدرة على التحكم الصحيح في هذه الغريزة وعدم فعالية بعض أساليب التعامل معها من التحديات الاجتماعية والأخلاقية المهمة. يهدف هذا البحث إلى دراسة العوامل التربوية المؤثرة في التحكم في الغرائز الجنسية من منظور القرآن الكريم، وتقديم حلول عملية بناءً على التعاليم القرآنية. من بين هذه العوامل يُذكر: الالتزام بالحجاب واللباس الإسلامي، تجنب الاختلاط غير الضروري بين الرجال والنساء، مراعاة آداب الدخول وطلب الإذن، النهي عن التصرفات المثيرة، تسهيل الزواج، الترويج للحياة البسيطة، الامتناع عن الصداقات مع الجنس الآخر، تحريم مقدمات الزنا، السيطرة على النظرة، الحد من الخروج غير الضروري من المنزل، ومراقبة السلوك الاجتماعي للنساء والفتيات. تُظهر دراسة هذه التعاليم أن القرآن الكريم يقدم حلولاً عملية وفعالة لتأسيس قواعد سليمة للسيطرة على الغرائز الجنسية والاجتماعية للفرد والمجتمع. يُشار إلى أن هذه الدراسة قد تمت باستخدام المنهج الوصفي-التحليلي ومن خلال الدراسات المكتبية.

الكلمات المفتاحية: التربية، العوامل، الغرائز الجنسية، القرآن الكريم، التحكم.

Abstract

The control of sexual instincts constitutes one of the most critical educational concerns in Islamic societies, receiving particular emphasis in the Holy Qur'an. In contemporary contexts, the inability to effectively manage these instincts, along with the shortcomings of some approaches to this issue, poses significant social and ethical challenges. This study aims to investigate the educational factors influencing the control of sexual instincts from a Qur'anic perspective and to propose practical solutions grounded in Qur'anic teachings. Key factors examined include adherence to hijab and Islamic dress codes, avoidance of unnecessary interaction between men and women, observance of proper etiquette in seeking permission, prohibition of provocative behavior, facilitation of marriage, encouragement of simplicity in lifestyle, avoidance of friendships with the opposite sex, prohibition of actions leading to adultery, control of the gaze, restriction of unnecessary outings, and monitoring of women's and girls' social conduct. Analysis of these teachings reveals that the Qur'an provides pragmatic and effective guidance for establishing sound foundations to regulate sexual and social instincts at both the individual and societal levels. This research employs a descriptive-analytical methodology, grounded in library research.

Keywords: Education, Influential Factors, Sexual Instincts, Holy Qur'an, Self-Control.

Özet

Cinsel dürtülerin kontrolü, İslâm toplumlarında en önemli eğitimsel konulardan biridir ve Kur'an-ı Kerim bu konuya özel bir önem vermektedir. Günümüz toplumlarında, bu dürtüyü doğru şekilde kontrol edememek ve buna karşı bazı yaklaşımların yetersizliği, önemli bir sosyal ve ahlaki sorun teşkil etmektedir. Bu araştırma, Kur'an-ı Kerim açısından cinsel dürtülerin kontrolüne etki eden eğitimsel faktörleri incelemeyi ve Kur'anî öğretilere dayalı pratik çözümler sunmayı amaçlamaktadır. Bu faktörler arasında şunlar yer almaktadır: başörtüsü ve İslâmi giyim kurallarına uymak, kadın ve erkeklerin gereksiz şekilde karışmasından kaçınmak, girmeden önce izin istemek ve adabına riayet etmek, uyarıcı davranışlardan kaçınmak, evliliği kolaylaştırmak, sade yaşamı teşvik etmek, karşı cinsle arkadaşlıktan kaçınmak, zina öncesi davranışları yasaklamak, bakışı kontrol etmek, evden gereksiz çıkışları sınırlamak ve kadınlar ile kızların sosyal davranışlarını denetlemek. Bu öğretilerin incelenmesi, Kur'an-ı Kerim'in birey ve toplumda cinsel ve sosyal dürtülerin kontrolü için sağlıklı temeller kurmaya yönelik pratik ve etkili çözümler sunduğunu göstermektedir. Bu araştırmanın, betimleyici-analitik bir yöntemle ve kütüphane çalışmalarıyla yapıldığını belirtmek gerekir.

Anahtar Kelimeler: Eğitim, Faktörler, Cinsel Dürtüler, Kur'an-ı Kerim, Kontrol.

مقدمه

انسان به عنوان موجودی که از دو بعد (روحانی و جسمانی) آفریده شده، همواره با چالش‌های گوناگونی در مسیر رشد و تکامل خود مواجه بوده است. یکی از مهمترین این چالش‌ها، کنترل غرایز جنسی و مدیریت صحیح آن در راستای سعادت فردی و اجتماعی است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، به این مسأله توجه ویژه‌ای داشته و راهکارهای متعددی را برای کنترل و مدیریت صحیح این غریزه ارائه داده است. امروزه با گسترش رسانه‌ها، تغییر سبک زندگی و کاهش مرزهای اخلاقی، این موضوع بیش از پیش اهمیت یافته و نیازمند بررسی عمیق و راهکارهای کاربردی است.

کنترل غرایز جنسی یکی از مسائل اساسی در تربیت فردی و اجتماعی است و عدم مدیریت صحیح آن می‌تواند به آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی منجر شود. این تحقیق بر اساس تعلیم قرآن و آموزه‌های اسلامی، به بررسی راهکارهای تربیتی برای مدیریت صحیح غرایز جنسی می‌پردازد. بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند باعث افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی، تضعیف بنیان خانواده و کاهش امنیت اجتماعی شود،^۱ که اهمیت این تحقیق را بیش از پیش ضروری می‌سازد. از اهداف این تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد: شناسایی و تحلیل عوامل قرآنی مؤثر در کنترل غرایز جنسی. ارائه راهکارهای عملی برای تربیت صحیح و پیشگیری از انحرافات اخلاقی. کمک به خانواده‌ها و مسؤولان در تبیین اصول صحیح تربیتی.

این تحقیق در صدد دریافت جواب به این سؤالات که آیا قرآن کریم راهکارهایی برای حفظ عفت، پاکدامنی و کنترل غرایز جنسی ارائه کرده است؟ چه راهکارهای عملی برای پیشگیری از انحرافات اخلاقی وجود دارد؟ چه اصول صحیح تربیتی برای مسؤولان در قرآن کریم می‌توان یافت؟

فرضیه تحقیق نیز به این صورت مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد قرآن کریم راهکارهای مؤثری را جهت کنترل غرایز جنسی ارائه کرده است. راهکارهای عملی برای پیشگیری از انحرافات اخلاقی وجود دارد. مسؤولان می‌توانند اصول صحیح تربیتی را در قرآن کریم جست‌وجو نمایند.

در بررسی پیشینه تحقیق، می‌توان گفت که از گذشته تاکنون آیات قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم به مسأله مدیریت غرایز جنسی پرداخته‌اند و دانشمندان اسلامی نیز تحقیق‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند. با این حال، تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون هیچ مقاله یا تحقیقی

^۱ عبدالصمد نوری زاد، "قرآن و بهداشت جنسی خانواده‌ها"، مجله راه قرآن ۳ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۵)، ۳۰.

جامعی در منابع داخلی یافت نشده که به‌طور مفصل به بررسی عوامل تربیتی کنترل‌گرایی جنسی از منظر قرآن کریم پرداخته باشد. مقالات خارجی در موضوعات مشابه وجود دارند؛ اما هیچکدام بدون نیاز به تحقیقات جدید نیست؛ زیرا هیچ یک به‌طور کامل موضوع مورد نظر ما را تحت پوشش قرار نمی‌دهند. به‌عنوان مثال:

"راهکارهای جلوگیری از انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات"، جمال فرزندوحی «و دیگران»، فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۳، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۱. این مقاله اگرچه راهکارهای مفیدی برای جلوگیری از انحرافات جنسی ارائه می‌دهد؛ اما چنانچه از عنوانش پیداست، بیشتر بر عوامل انحراف تمرکز دارد و به عوامل تربیتی (بازدارنده) که می‌توانند از انحراف پیشگیری کنند، کمتر توجه کرده است. علاوه بر این، دیدگاه غیر اهل سنت در آن مطرح شده است.

"علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات"، سهراب مروتی «و دیگران»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳. در این مقاله انواع انحرافات و علل و عوامل پیدایش آن‌ها به‌طور کلی بحث شده است. به دلیل گستردگی موضوع، ارتباط این عوامل با آموزه‌های تربیتی قرآن و راهکارهای عملی کنترل‌گرایی به‌طور کامل تبیین نشده است و در برخی موارد، آیات مرتبط ذکر نشده‌اند.

"قرآن و بهداشت جنسی خانواده"، دکتر صمد نوری‌زاد، مجله راه قرآن، شماره ۳، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۵. این مقاله عمدتاً بر تربیت جنسی فرزندان (موضوع استئذان) تمرکز دارد و سایر ابعاد کنترل‌گرایی جنسی در مراحل مختلف زندگی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

"پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی در قرآن"، علی محمد جورکویه، مجله: قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴. این مقاله راهکارهای پیشگیری از عموم جرایم را به صورت عمومی مطرح می‌کند (به راهکارها و برنامه‌های مختص کنترل‌گرایی جنسی در جامعه خیلی کم توجه دارد). قابل یادآوری است که همه مقالات ذکر شده بر علاوه اینکه داخلی نیستند، بر اساس منابع غیر اهل سنت نگاشته شده‌اند.

اما تحقیق حاضر تلاش دارد با نگاهی جامع‌تر و با رفع نواقص ذکر شده، عوامل تربیتی کنترل‌گرایی جنسی را از دیدگاه قرآن کریم بررسی نماید و با تمرکز بر آموزه‌های تربیتی قرآن، راهکارهای عملی و کاربردی از منابع معتبر اهل سنت برای تربیت جامعه که بتواند غرایز خود را به درستی مدیریت کند ارائه دهد.

در مورد روش بحث و ساختار مقاله، قابل ذکر است که این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و با استفاده از منابع معتبر علمی،

عوامل تربیتی کنترل غرایز جنسی را بررسی نموده است، و در ترجمه آیات درکل از تفسیر نور اثر دکتر مصطفی خرم دل بهره برداری شده است.

ساختار کلی تحقیق حاضر بدین قرار است که، با بررسی آیات قرآن کریم، عوامل تربیتی مؤثر در کنترل غرایز جنسی مورد مطالعه قرار گرفته است. مباحثی مانند رعایت حجاب، پرهیز از اختلاط غیر ضروری، لزوم نظارت بر رفتار اجتماعی، تسهیل ازدواج و پیشگیری از انحرافات اخلاقی از جمله محورهای این تحقیق خواهند بود. در این مقاله تلاش شده است با تکیه بر تعالیم قرآن کریم، مبانی تربیتی لازم برای کنترل غرایز جنسی استخراج و مورد تحلیل قرار داد تا به عنوان الگویی کارآمد در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. رعایت حجاب و پوشش اسلامی

حجاب در لغت: ستر، پرده، حائل بین دو شیء.^۲ در اصطلاح: عبارت است از آنچه که زنان جهت ستر عورت خویش از مردان نامحرم می پوشند، چنانچه صاحب «معجم لغة الفقهاء» می فرماید: «ما تلبسه المرأة من الثياب لستر العورة عن الاجانب»^۳ «لباسی که زن برای پوشاندن عورت خود از نامحرمان می پوشد».

حجاب در اسلام یک اصل مهم اخلاقی و اجتماعی است که علاوه بر بُعد دینی، تأثیرات مثبت فردی و اجتماعی دارد. حکمت آن شامل حفظ کرامت و شخصیت انسانی، تقویت حیا و عفاف و جلوگیری از نگاه ابزاری به انسان است. حجاب به ایجاد فضای سالم کمک می کند و نقش مهمی در حفظ امنیت روانی و اجتماعی جامعه دارد. از این جهت در آیات و احادیث زیادی به آن دستور داده است که از باب مشت نمونه خروار به چند مورد آن اشاره می شود، از جمله:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلرَّوَّاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾.^۴ «ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که ردهای خود را جمع و جور بر خویش فرو افکنند».^۵

^۲ محمد بن احمد أبو منصور، تهذيب اللغة (بيروت: دار احياء التراث العربي، ۲۰۰۱ م)، ۹۷/۴.

^۳ محمد رواس قلعجي، معجم لغة الفقهاء (بي جا: دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۸ هـ. ق / ۱۹۸۸ م)، ۱۴۷.

^۴ الاحزاب ۵۹/۳۳.

^۵ تفسیر نور، مترجم. دکتر مصطفی خرم دل (بی جا: بی جا، نسخه الکترونیکی، المكتبة الشاملة، الاصدار الرابع، بی تا)، ۵۹/۳۳.

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾^۶. «و به زنان مؤمنه بگو: چشمان خود را (از نامحرمان) فروگیرند (و چشم چرانی نکنند)». «من» تبعیضی است منظور نگاه های حرام (نگاه به نامحرم) مراد است.^۷

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾^۸. «هنگامی که از زنان پیغمبر چیزی از وسائل منزل به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید، این کار برای پاکی دل های شما و آنان بهتر است». در این آیه خداوند به صحابه کرام دستور می دهد که هرگاه از ازواج مطهرات وسیله می خواستید از «وراء حجاب» پس پرده بخواهید. پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: (صنفان من أهل النار لم أرهما، قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات).^۹ «دو گروه از اهل آتش اند که من ندیده ام: مردانی که مردم را با شلاق می زنند و زنانی که پوشیده؛ اما در حقیقت برهنه اند».

پوشش تنگ و چسبان، به ویژه در دوران بلوغ، می تواند امیال غریزی نوجوانان را تحریک کرده و هوس های شهوانی را افزایش دهد. پژوهش ها نشان داده اند که لباس های تنگ می توانند باعث تحریک آلت تناسلی و بروز مشکلاتی مانند استمنای شوند. روان شناس روسی، کوچنکف و لاپیک، معتقدند که افزایش جریان خون در نواحی کمر و لگن، ناشی از پوشش تنگ و عوامل دیگر، باعث تشدید این تحریکات می شود.^{۱۰}

۲. پرهیز از اختلاط غیر ضروری زن و مرد

اسلام برای دور ماندن هریک از مرد و زن از بی بندباری های اخلاقی، رذایل و وسوسه های شیطانی، اختلاط زن و مرد، رفت و آمدهای بی جا در بین زنان و مردان را با وضع قوانین جالب و مفید در این باب، تحت کنترل و نظارت قرار داده است و اکیداً اختلاط شان را ممنوع دانسته است، با مراجعه به آموزه های دینی قوانین زیادی برای اصلاح و فسادزدایی در این بحث به چشم می خورد؛ اما به خاطر عدم خروج از بحث عنوان مقاله، جهت اختصار ما فقط به آن عده از نصوص در این باب اشاره می کنیم که در قرآن کریم موجود است؛ از جمله این قول خداوند متعال

^۶ النور ۳۱/۲۴.

^۷ محمد علی صابونی، روائع البیان فی تفسیر آیات الأحکام، مکتبة الغزالی (بیروت- دمشق: مؤسسة مناهل العرفان ۱۴۰۰ هـ. ق / ۱۹۸۰ م)، ۳۶۶.

^۸ الاحزاب ۵۳/۳۳.

^۹ مسلم ابن الحجاج ابوالحسن القشیری النیسابوری، صحیح المسلم (بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا). «النساء الکاسات العارات المائلات الممیلات»، ۳ (۲۱۲۸).

^{۱۰} سهراب مروتی «و دیگران»، «علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده ۲/۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، ۱۴.

که می فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»^{۱۱}. "هنگامی که از زنان پیغمبر چیزی از وسائل منزل به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید، این کار برای پاکی دل های شما و آنان بهتر است". وجه استدلال از این آیه چنین است که: خداوند متعال بعد از دستور به عدم مخالطت با ازواج پیامبر صلی الله علیه و سلم با وجود این که آن ها از همه زن های دیگر پاکتر اند و نیز برای مردانی که دستور عدم مخالطت داده می شود (در آن زمان) صحابه کرام اند، ایشان نیز از هر مردی دیگری (مخصوصاً از مرد های معاصر) پاکتر و قلوب شان از مرض «فیطمع الذی فی قلبه مرض» سالم تر بوده اند، باز هم خداوند جل جلاله در پایان این حکم زیایش حکمت آن را ذکر نمود و فرمود: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» این برای دل های شما و دل های آنان پاکیزه تر است و از شک و شبهه بعید تر می باشد، و هر چند انسان از اسباب و انگیزه های شر دور تر باشد سالم تر می ماند و دلش پاکیزه تر خواهد بود. بنابراین، یکی از امور شرعی که خداوند جل جلاله بیشتر امور بزرگ و کوچک آن را بیان داشته، این است که همه وسیله های شر، اسباب و مقدمات آن ممنوع هستند و باید به هر نحوی از آن دوری جست.

خداوند متعال می فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰) وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»^{۱۲}. "پیغمبر! (به مردان مؤمن بگو: (آنان موظفند که از نگاه به عورت و محل زینت نامحرمان) چشمان خود را فروگیرند و عورت های خویشان را (با پوشاندن و دوری از پیوند نامشروع) مصون دارند. این برای ایشان زینده تر و محترمانه تر است. بی گمان خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است (و سزا و جزای رفتارشان را می دهد). و به زنان مؤمنه بگو: چشمان خود را (از نامحرمان) فروگیرند (و چشم چرانی نکنند) و عورت های خویشان را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند". وقتی که در شریعت نگاه کردن به زن چون منجر به فساد می شود، نهی شده است. این نگاه ها زمانی صورت می گیرد که زنان و مردان در بیرون با یکدیگر اختلاط داشته باشند. بنابراین، اختلاط ممنوع است، چون سبب برای کاری می شود که عاقبت خوبی ندارد.

قرآن کریم حاکی این است که حتی در امت های پیش، نزد کسانی که فطرت سلیم داشته اند، اختلاط مرد و زن کاری ناپسند بوده، سعی و تلاش بر این داشته اند که از این پدیده نادرست خود داری نمایند؛ چنان چه دختران حضرت شعیب از اختلاط با دیگر چوپانان خود داری می کردند: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ»^{۱۳}. "وقتی

^{۱۱} الاحزاب ۵۹/۳۳.

^{۱۲} النور ۳۱/۲۴.

^{۱۳} القصص ۲۷/۲۸.

موسی به آب مدین رسید، گروهی را دید که دام‌های‌شان را سیراب می‌کردند و دوزن را که دور از آن‌ها گوسفندان خود را نگهداشته بودند. وقتی دلیل را پرسید، گفتند: «پدر ما پیر است و ما صبر می‌کنیم تا چوپانان بروند».

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: {لَأَنْ يُطْعَنَ فِي رَأْسِ أَحَدِكُمْ بِمِخْطٍ مِنْ حَدِيدٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَمَسَّ امْرَأَةً لَا تَحِلُّ لَهُ} ^{۱۴} اگر در سریکی از شما میخی آهنین فرو برده شود، بهتر است از آنکه به زنی دست بزند که برایش حلال نیست. بنده می‌گویم که این مساس با اختلاط به وجود می‌آید، لذا از باب سد ذرایع ممنوع و حرام می‌باشد.

در حدیثی دیگر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: {خَيْرٌ صُفُوفِ الرَّجَالِ أُولُهَا، وَشَرُّهَا آخِرُهَا، وَخَيْرٌ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا، وَشَرُّهَا أُولُهَا} ^{۱۵} «بهترین صف مردان، صف اول و بدترین‌شان، صف آخر است. بهترین صف زنان، صف آخر و بدترین‌شان، صف اول است». (زیرا زنان در صف‌های آخر از مردان دورترند و از اختلاط و فتنه دور می‌مانند). پس وقتی که شریعت در عبادات چنین احتمالی را مد نظر قرار داده با این که آن‌جا اختلاطی نیست و فقط زن و مرد نزدیک هم قرار می‌گیرند، حال شما جایی را در نظر بگیرید که بین زن و مرد اختلاط باشد، آن‌جا وضعیت چگونه خواهد بود؟

حضرت اسامه ابن زید رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: {مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فَتْنَةً أَضَرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ} ^{۱۶} «زیان‌بارترین فتنه برای مردان زنان هستند». پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید که زنان سبب فتنه مردان می‌شوند؛ پس چگونه فتنه مبتلاکننده و به فتنه مبتلا شونده یکجا جمع می‌شوند؟ قطعاً اختلاط این دو جایز نیست.

از نظر فقهای اهل سنت نیز، اختلاط مرد و زن حرام است و حکومت باید از آن جلوگیری کند. در «الموسوعة» آمده است: «ولا يفضي إلى اختلاطها بهم؛ لأن تمكين النساء من اختلاطهن بالرجال أصل كل بلية وشر، وهو من أعظم أسباب نزول العقوبات العامة، كما أنه من أسباب أمور العامة والخاصة، واختلاط الرجال بالنساء سبب لكثرة الفواحش والزنى، وهو من أسباب الموت العام، فيجب على ولي الأمر أن يمنع من اختلاط الرجال بالنساء في الأسواق، والفرج، ومجامع الرجال، وإقرار النساء على ذلك إعانة لهن على الإثم والمعصية، وقد منع أمير المؤمنين عمر بن الخطاب رضي الله عنه النساء من المشي في طريق الرجال والاختلاط بهم في الطريق» ^{۱۷}.

^{۱۴} سلیمان ابن احمد ابن ایوب طبرانی، المعجم الکبیر (القاهرة: مكتبة ابن تیمیة، ۱۴۱۵ هـ / ۱۹۹۴ م)، ۲۰/۲۱۱.

^{۱۵} مسلم، صحیح المسلم، «تسوية الفوف» ۲۸ (۴۴۰).

^{۱۶} أبو عبدالله محمد بن إسماعيل البخاري، صحیح البخاری (بی‌جا: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ)، «مايتقي من شوم المرأة»، ۱۷ (۵۰۹۶).

^{۱۷} وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية (الكويت: دارالاسلاسل، ۱۴۰۴-۱۴۲۷ هـ)، ۱۰۸/۱۹.

در موسوعه در بحث شروط خروج زنان از خانه می‌فرماید: نباید کاری کرد که باعث آمیختگی و اختلاط زنان با مردان شود؛ چون اجازه دادن به چنین اختلاطی سرچشمه بیشتر گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دانسته شده، و از بزرگ‌ترین علت‌های آمدن عذاب‌های عمومی شمرده می‌شود. همچنین، این اختلاط سبب فساد در امور عمومی و خصوصی است. نزدیکی و آمدوش مردان و زنان با هم زمینه‌ساز گسترش کارهای زشت و زنا است و یکی از عوامل مرگ‌های دسته‌جمعی به حساب می‌آید. پس بر حاکم شرعی لازم است که جلو اختلاط مردان و زنان را در بازارها، مکان‌های تفریحی و محل تجمع مردان بگیرد. رخصت دادن به زنان برای حضور در چنین جاهایی در واقع همکاری با گناه و معصیت است. چنان‌که حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه زنان را از راه رفتن در مسیر مردان و آمیختن با آنان در راه‌ها منع کرده بود.

مطالعات روان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که مدارس مختلط می‌توانند برداشت‌های نادرستی از جنس مخالف ایجاد کنند و این امر با نیازهای جسمی، روانی و فرهنگی ناسازگار است. دوران نوجوانی و جوانی زمان اوج احساسات و غرایز جنسی است و اختلاط سبب دلبستگی هر یک از دو جنس به دیگر می‌شود. همین مسأله، اُفت تحصیلی و افزایش انحرافات اخلاقی را در پی خواهد داشت.^{۱۸}

۳. رعایت آداب ورود و کسب اجازه از والدین

تربیت و سلامت روحی در خانواده امری بسیار مهم و اساسی است، خانواده در اسلام به‌عنوان مهمترین نهاد تربیتی، مسئولیت سنگینی در هدایت فرزندان و جلوگیری از انحرافات اخلاقی بر عهده دارد. کودکان به دلیل روحیه لطیف و تأثیرپذیری بالا، در معرض خطرات و آسیب‌های اخلاقی فراوانی قرار دارند که غفلت از تربیت صحیح آنان می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه به همراه داشته باشد. از دیدگاه اسلام، پیشگیری از انحرافات اخلاقی در کودکان و نوجوانان از راه تقویت ایمان، آموزش ارزش‌های دینی و مراقبت‌های رفتاری، یکی از وظایف اصلی والدین به شمار می‌رود؛ زیرا خداوند جل جلاله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا».^{۱۹} «ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ برکنار دارید». در دنیای امروز که ابزارهای انحراف و فساد بیش از گذشته در دسترس هستند، توجه والدین به تربیت دینی و اخلاقی، بهترین راهکار برای جلوگیری از لغزش‌ها و انحرافات اخلاقی فرزندان است.

^{۱۸} جمال فرزندوحی «و دیگران»، «راهکارهای جلوگیری از انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات»، فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۱ (زمستان ۱۳۹۱)، ۱۷.

^{۱۹} التحریم ۶/۶۶.

الله متعال برای تربیت و محافظت از کودکان در برابر انحرافات جنسی، چنین راهکاری ارائه کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ»^{۲۰} ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگان و کودکان نابالغ شما در سه وقت اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، نیم‌روز هنگام استراحت، و پس از نماز عشاء. این سه زمان، اوقات خلوت شماست. پس از این، گناهی بر شما و آنان نیست که بدون اجازه وارد شوند؛ زیرا شما در کنار یکدیگر رفت‌وآمد دارید». و در ادامه می‌فرماید: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^{۲۱} هنگامی که کودکان به سن بلوغ رسیدند، همان‌گونه که بزرگ‌ترها اجازه می‌گیرند، آنان نیز باید اجازه بگیرند. این‌گونه خداوند آیات خود را بیان می‌کند تا ادب آموخته شود».

در مورد حکمت استئذان چنین گفته‌اند: «وذلك يؤدي الى الوقاية من الانحراف السلوكية والشاذة نتيجة التعرض لعوامل الإثارة في مرحلة مبكرة لم يكتمل فيها بعد نمو الجهاز العصبي و استعدادة للتمييز بين الجنسين فتحدث الاستجابة الخاطئة لذات الجنس»^{۲۲} این امر (اجازه گرفتن) به پیشگیری از انحرافات رفتاری و ناهنجاری‌های غیر عادی کمک می‌کند که ناشی از قرار گرفتن در معرض عوامل تحریک‌کننده در مرحله‌ای زودرس است؛ مرحله‌ای که در آن سیستم عصبی هنوز به‌طور کامل رشد نکرده یا برای تمایز بین جنسیت‌ها آماده نشده است. در نتیجه، ممکن است پاسخ‌های نادرست نسبت به همجنس رخ دهد.

برخی تصور می‌کنند که کودکان از این مسائل سر در نمی‌آورند؛ اما تحقیقات نشان داده که ذهن کودکان وقایع را ثبت و بارها مرور می‌کند. بسیاری از افراد، به دلیل بی‌مبالاتی والدین در مسائل جنسی، دچار عقده‌های روانی شده و در جامعه به انحراف کشیده شده‌اند. انسان رفتارهای جنسی را از طریق مشاهده و شنیدن می‌آموزد و این الگوها بیشتر فرهنگی هستند تا فیزیولوژیک. تفاوت‌های موجود در فعالیت جنسی افراد، غالباً از دوران کودکی شکل می‌گیرد.^{۲۳}

^{۲۰} النور ۲۴/۵۸.

^{۲۱} النور ۲۴/۵۹.

^{۲۲} منصور بن سعد صالح المرشد، *غض البصر واثرة في الوقاية من الجريمة الاخلاقية* (بی‌جا: جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية، ۱۴۲۹هـ.ق/ ۲۰۰۸ م)، ۴۴.

^{۲۳} عبدالصمد نوری‌زاد، «قرآن و بهداشت جنسی خانواده‌ها»، *مجله راه قرآن* ۳ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۵)، ۳۴.

محمد علی صابونی در ذیل تفسیر آیات فوق می‌نویسد: «قال أبو بكر الرازي: إنما يؤمر بذلك على وجه (التعليم والتأديب) ليعتاده ويتمرن عليه فيكون أسهل عليه بعد البلوغ وأقل نفوراً منه».^{۲۴} "این کار به منظور آموزش و ادب‌آموزی توصیه می‌شود؛ تا کودک به آن عادت کند و در آن تمرین نماید، به طوری که پس از رسیدن به سن بلوغ، انجام آن برای او آسان‌تر شود و کمتر از آن نفرت داشته باشد".

با وجود این که مسأله استئذان و اجازه گرفتن برای تربیت و اصلاح فرزندان خیلی مؤثر و مهم است، امروزه به این مسأله خیلی بی‌توجهی می‌شود، حتی خواص نیز این برنامه اصلاحی قرآن را به باد فراموشی سپرده و اجرا نمی‌کنند، صاحب جلالین نیز از این موضوع شکایت دارد چنانچه می‌فرماید: «ولكن تهاون الناس في ترك الاستئذان».^{۲۵}

در مقاله «پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی» می‌نویسد: سوگند به آن که جانم بدست اوست، اگر کسی با همسرش رابطه جنسی برقرار کند، در حالی که در آنجا بچه‌ای بیدار باشد و آنان را ببیند و سخن و صدای نفسشان را بشنود، آن بچه رستگار نخواهد شد، اگر پسر باشد، زانی و اگر دختر باشد، زانیه می‌گردد.^{۲۶}

۴. نهی از رفتارها و امور تحریک‌آمیز

یکی دیگر از برنامه‌های نیک و پسندیده قرآن کریم برای جلوی‌گیری و کنترل انحرافات اخلاقی و جنسی و بند ساختن مقدمات بیندباری‌ها در جامعه، منع عوامل تحریک‌زا و نهی از انجام اعمال که سبب تحریک جنسی دیگران بشود، می‌باشد. قرآن کریم برای سالم ماندن جامعه و انسانیت از فساد و فواحش از باب «سد الذرایع» تمام مسائل تحریک‌کننده را ممنوع و حرام قرار داده است، در این جا به چند نوع از این امثال موضوعات که به علت تحریک‌کننده بودن از باب سد الذرایع منع شده اشاره می‌شود؛ خداوند متعال در سوره احزاب می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا».^{۲۷} "ای همسران پیغمبر! شما (در فضل و شرف) مثل هیچ یک از زنان (عادی مردم) نیستید. اگر می‌خواهید پرهیزگار باشید (به گونه هوس‌انگیز) صدا را نرم و نازک نکنید (و با ادب و اطواری بیان نمایید) که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند. و بلکه به صورت شایسته و برازنده سخن بگویند". دانشمندان

^{۲۴} محمد علی صابونی، روائع البیان تفسیر آیات الأحکام، مکتبة الغزالي (بیروت - دمشق: مؤسسة مناهل العرفان ۱۴۰۰هـ.ق / ۱۹۸۰م)، ۴۰۴.

^{۲۵} جلال الدین محمد بن احمد محلی، تفسیر الجلالین (القاهرة: دار الحديث، بی‌تا)، ۳۷۳.

^{۲۶} علی محمد جورکوبه، «پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی در قرآن»، مجله قرآن، فقه و حقوق اسلامی ۳/۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، ۱۳۹.

^{۲۷} الاحزاب ۳۲/۳۳.

می‌فرمایند: نوع سخن گفتن و نحوه کارگرفتن کلمات در ارتباط کلامی میان زن و مرد یکی از عوامل تحریک‌زا است، ادای کلمات با ناز و عشوه و به کار بردن کلماتی رمزآلود و با قصد لذت بردن، می‌تواند موجب خطورات شیطانی و تهییج شهوت شود.^{۲۸} این که سخنان زنان با ناز و کرشمه و لب خنده سبب تهییج شهوت و انگیزه‌های نادرست در افراد «الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» می‌شود امری است که نیاز به توضیح ندارد از باب «آنچه عیان است چنانچه حاجت به بیان است» بیشتر ضرورت به تشریح نیست.

در سوره نور نیز خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»^{۲۹} "زنان نباید هنگام راه رفتن، پاهای خود را محکم به زمین بکوبند تا زینت پنهان‌شان آشکار شود". این دو مثال نشان می‌دهد که صدا و لحن، از جمله عوامل تحریک‌کننده شهوت است. به همین دلیل، هرگونه آواز و صدایی که موجب تهییج غریزه شود، حرام شمرده شده است. در تفسیر بحر المحيط آمده که شنیدن صدای زنان آراسته، بیش از دیدن زینت آنان، تحریک‌کننده است. از همین رو، موسیقی نیز در زمره امور ممنوعه قرار گرفته است: در «بحر المحيط فی التفسیر» در مورد تفسیر آیه فوق می‌فرماید: «وقال الزجاج: وسماع صوت ذی الزينة أشد تحريكا للشهوة من إبدائها انتهى».^{۳۰} "زجاج گفته است: شنیدن صدای کسی که آراسته است، بیشتر از دیدن زینتش، شهوت را تحریک می‌کند". بر این اساس است که موسیقی نیز حرام شده است، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَسْتَفْزَزَ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ».^{۳۱} "با ندای خود هرکه را می‌توانی بفریب و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنان بشوران" و در تفسیر جلالین چنین توضیح داده است: {واستفزز} استخف {من استطعت منهم بصوتك} بدعائك بالغناء والمزامير وكل داع إلى المعصية {وأجلب} صح {عليهم بخيلك ورجلك} وهم الركاب والمشاة في المعاصي.^{۳۲} و فقهاء در باره موضوع فوق می‌فرمایند: ونصوا على أن التغني للهو أو لجمع المال حرام بلا خلاف... اعلم أن التغني لإسماع الغير وإيناسه حرام عند العامة).^{۳۳} صوت زنان نیز از همین جهت

^{۲۸} مهديه السادات مستقيمي «و دیگران»، "تحلیلی از متانت گفتاری زبان قرآن در حورزهی التذاذات جنسی"، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان ۴۹/۱۳ (پاییز ۱۳۹۸)، ۱۳.

^{۲۹} النور ۳۱/۲۴.

^{۳۰} ابوحیان محمد بن یوسف اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر (بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ هـ.ق)، ۳۶/۸.

^{۳۱} الاسراء ۶۴/۱۷.

^{۳۲} محلی، تفسیر جلالین، ۳۷۳.

^{۳۳} محمد امین بن عمر ابن عابدین شامی، الدر المختار و حاشیه ابن عابدین رد المحتار (بیروت: دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ.ق/ ۱۹۹۲ م)، ۴۸۲/۲.

والله اعلم - عورت گفته شده است. (صوت المرأة عورة على الراجح.^{۳۴} حتی در تبلیه نیز صدایش را بلند نکند: "ولا ترفع صوتها بالتلبية لما فيه من الفتنة".^{۳۵}

ناگفته نماند که نزد عدۀ مطلق صدای زن عورت نیست؛ بلکه تغنی و نرمی و ناز و کرشمه در گفتار زنان حرام است: وفي شرح المنية الأشبه أن صوتها ليس بعورة. ... أنا إذا قلنا صوت المرأة عورة أنا نريد بذلك كلامها؛ لأن ذلك ليس بصحيح فإننا نجيز الكلام مع النساء الأجانب ومحاورتهن عند الحاجة إلى ذلك ولا نجيز لهن رفع أصواتهن ولا تمطيطها ولا تليينها وتقطيعها لما في ذلك من استمالة الرجال إليهن وتحريك الشهوات منهم ومن هذا لم يجوز أن تؤذن المرأة.^{۳۶} در شرح "المنية" نظر غالب این است که مطلق صدای زن گناه یا ممنوع نیست. وقتی بعضی ها می گویند صدای زن عورت است، منظورشان این نیست که زن هیچ گاهی حق ندارد صحبت کند؛ چون اگر واقعاً چنین می بود، پس حتی حرف زدن با زنان در کارهای ضروری هم جایز نمی بود، در حالی که علماء اجازه داده اند که در وقت ضرورت با زنان نا محرم گپ زده شود؛ اما آنچه درست نیست، این است که زن صدایش را بلند کند، یا صدای خود را نازک، لطیف، کش دار و دلبری گونه بسازد، چون این طور گپ زدن باعث می شود مردها به طرفش جذب شوند و شهوت شان تحریک شود. به همین دلیل، گفته شده که زن حق ندارد اذان بگوید.

۵. تسهیل ازدواج جوانان و ترویج ساده زیستی در آن

ازدواج در اسلام امری مشروعی است که نیازهای طبیعی انسان را در چارچوبی اخلاقی و قانونی برآورده می کند و از گناهان و انحرافات جلوگیری می کند. قرآن و حدیث بر اهمیت ازدواج تأکید کرده و آن را وسیله ای برای حفظ ایمان و آرامش روحی معرفی کرده اند. ازدواج نقش اساسی در اصلاح فرد و جامعه دارد و به عنوان پایه ای برای استحکام خانواده و جامعه عمل می کند. چنانچه می فرمایند: (أن الزواج أساس الأسرة ودعامتها والقاعدة التي يقوم عليها بناء المجتمع، والأسرة هي اللبنة الأولى في بناء الأمة، وعلى قدر ما تكون اللبنة قوية متينة يكون البناء قوياً راسخاً منيعاً، وعلى العكس من ذلك إن كانت اللبنة واهية ضعيفة، يكون البناء ضعيفاً، قابلاً للتصدع والاضمحلال ومن ثم الانهيار).^{۳۷} "ازدواج بنیاد خانواده و پایه اصلی جامعه است، و خانواده

^{۳۴} ابن عابدین، الدر المختار وحاشیه ابن عابدین، ۳۶۹/۶.

^{۳۵} أبو الحسن برهان الدین مرغینانی و علی بن أبی بکر، الهدایه فی شرح البدایه (بیروت: لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا)، ۱۴۹/۱.

^{۳۶} زین الدین بن ابراهیم بن محمد ابن نجیم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق (بی جا: دار الكتاب الإسلامی، بی تا)، ۲۸۵/۱.

^{۳۷} محمد بن أحمد الصالح، التحديات المعاصرة للأسرة المسلمة وحلولها ظاهرة العزوف عن الزواج مظاهراً غراء بالفواحش العلاقات الجنسية المحرمة وآثارها (بی جا: المجمع الفقهي الإسلامية، جامع الكتب الإسلامية، بی تا)، ۶۱۱.

نخستین واحد در ساختار امت شمرده می‌شود. هر قدر خانواده‌ها نیرومند باشند، جامعه محکم و استوار خواهد بود، و اگر ضعیف باشند، جامعه هم آسیب‌پذیر و رو به فروپاشی می‌رود.^{۳۸}

خداوند متعال در باب تشویق و ترغیب به نکاح می‌فرماید که فقر و تنگدستی آن‌ها شما را نگران نسازد: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾.^{۳۸} "مردان و زنان مجرد خود را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان شایسته را. اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز خواهد کرد".

در تفسیر این آیه آمده است که نباید فقر را مانعی برای ازدواج دانست، چرا که خداوند وعده داده که روزی را می‌گستراند. برخی از صحابه همچون ابوبکر، عمر و ابن عباس، این آیه را دلیلی بر گشایش در رزق پس از ازدواج دانسته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نیز ازدواج را راهی برای رفع فقر معرفی کرده است.^{۳۹}

لذا، براین اساس است که الله متعال در کلام پاکش دستور به ازدواج داده است: ﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾.^{۴۰} "وقتی که به خود اطمینان داشتید که می‌توانید میان زنان دادگری کنید و شرایط و ظروف خاص تعدد ازواج مهیا بود) با زنان دیگری که برای شما حلال اند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می‌ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید، به یک زن اکتفاء کنید".

پیامبر صلی الله علیه و سلم در باب تشویق و ترغیب به ازدواج می‌فرماید: إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ كَمَلَ نِصْفُ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي. "هرگاه (بنده خدا) ازدواج کند، نیمی از دینش کامل شده است؛ پس باید در نیمه باقی مانده، تقوای الهی پیشه کند". در روایت دیگر که قریب به همین مفهوم است می‌فرماید: (مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ امْرَأَةً صَالِحَةً فَقَدْ أَعَانَهُ عَلَى شَطْرِ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي الشَّطْرِ الْبَاقِي).^{۴۱} "هرکسی را که خداوند زن صالحه‌ای نصیب کند، در حقیقت او را در رسیدن به نیمی از دینش یاری کرده است؛ پس باید در نیمه باقی مانده، از خدا پروا کند".

^{۳۸} النور ۳۲/۲۴.

^{۳۹} رازی، مفاتیح الغیب او التفسیر الکبیر للامام فخرالدین (بی‌جا: موقع شبکه مشکاة الإسلامیة، نسخه الکترونیکی از المکتبة الشاملة الاصدار الرابع، بی‌تا)، ۳۷۱/۲۳.

^{۴۰} النساء ۳/۴.

^{۴۱} أحمد بن الحسین بن علی بیهقی، شعب الایمان (ریاض: مکتبة الرشد للنشر والتوزیع، ۱۴۲۳ هـ.ق/ ۲۰۰۳ م)، ۳۴۱/۷.

از دیدگاه فقهای حنفی ازدواج نه تنها عبادت پنداشته می شود؛ بلکه از بسیاری عبادات نفلی اولی تر و افضل تر می باشد.^{۴۲} علامه علاء الدین حصکفی در الدر المختار می نویسد: برای ما هیچ عبادتی نیست که از زمان آدم علیه السلام مشروع شده باشد و تا بهشت ادامه یابد، جز نکاح و ایمان.^{۴۳} در بدائع الصنائع می فرماید: خود داری از زنا واجب است و راهی برای رسیدن به این خود داری جز از راه نکاح وجود ندارد.^{۴۴}

علماء در مورد حکمت ازدواج می فرمایند: (فالنکاح مانع من النظر بشهوة الی غیر ماهو حل حل فی الغالب، بحيث لو خالف هذه الفضيلة لجاء الضرر من وجهين: اكتساب الرذيلة و ایجاد العداوة بینة و بین ممن یهتک عرضه بالزنا و الفسق. و ایجاد هذا محل بنظام العالم کما لا یخفی). ازدواج، نگاه انسان را از شهوت به نامحرم باز می دارد. اگر کسی از چارچوب ازدواج خارج شود، هم مرتکب گناه شده و هم ممکن است موجب دشمنی و اختلاف در جامعه گردد. این آسیب ها، نظم اجتماعی را بر هم زده و اخلاق عمومی را تضعیف می کند. بنابراین، ازدواج وسیله ای برای حفظ نظام صحیح زندگی انسانی است.^{۴۵}

۶. امتناع از دوستی با جنس مخالف

اسلام برای حفظ عفت و پاکدامنی، جلوگیری از فساد و انحرافات اخلاقی و اجتماعی، حمایت از استحکام خانواده و کاهش آسیب های ناشی از روابط ناسالم. رابطه میان پسر و دختر خارج از چارچوب شرعی ازدواج ممنوع است؛ زیرا این نوع ارتباط ها می توانند منجر به گناه و فساد و بی بندباری های اخلاقی شوند. چنان چه خداوند متعال در این زمینه می فرماید: ﴿فَأَنكِحُوهُنَّ بِأَدْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾.^{۴۶} "پس با اجازه صاحبان آنان با ایشان ازدواج کنید و مهریه آنان را به نیکی و مطابق عرف بپردازید، به شرط آنکه پاکدامن باشند و روابط نامشروع نداشته باشند". «أَخْدَانٍ»: جمع خَدْن، رفیق و رفیق. دوستان زن یا مردی که به گونه آشکار یا نهان با آنان معاشرت نامشروع انجام گیرد.

^{۴۲} محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة سرخسي، المبسوط للسرخسي (بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ هـ.ق/ ۱۹۹۳ م)، ۱۹۳/۴.

^{۴۳} ابن عابدين، الدر المختار وحاشية ابن عابدين، ۳/۳.

^{۴۴} علاء الدین أبو بکر بن مسعود کاساني، البدائع الصنائع في ترتيب الشرائع (بی جا: دار الكتب العلمية، الثانية، ۱۴۰۶ هـ.ق/ ۱۹۸۶ م)، ۲۲۸/۲.

^{۴۵} شیخ علی احمد جرجاوی، حکمة الشریع الاسلامی (بیروت: لبنان، دارالفکر، ۱۴۲۴ هـ.ق/ ۲۰۰۳ م)، ۵/۲.

^{۴۶} النساء ۲۵/۲.

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ﴾.^{۴۷} و (ازدواج با) زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن اهل کتاب پیش از شما، حلال است، هرگاه که مهریه آنان را بپردازید و قصد ازدواج داشته باشید و منظورتان زناکاری یا انتخاب دوست نباشد.^{۴۸}

بنابراین، هرگونه رابطه بین پسر و دختر خارج از چهارچوب ازدواج در اسلام ممنوع و برخلاف اصول اخلاقی و دینی است.

چنین دوستی‌ها و محبت‌ها در روز قیامت سبب پشیمانی و حسرت و ندامت می‌شود، چنان‌چه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا﴾ (۲۸) لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا.^{۴۹} ای (وای! کاش من فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم. بعد از آن که قرآن (برای بیداری و آگاهی) به دستم رسیده بود، مرا گمراه (واز حق منحرف و منصرف) کرد. (آری! این چنین) شیطان انسان را (به رسوایی می‌کشد و) خوارِ خوار می‌دارد. چنین دوستانی فقط چند روزی محدود تا زمانی که از همدیگر استفاده‌جویی ممکن باشد دوست اند؛ ولی بعد با همدیگر دشمن و از همدیگر متنفراند. ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾.^{۵۰} "دوستان، در آن روز، دشمنان یکدیگر خواهند شد؛ مگر پرهیزگاران". ﴿الْأَخِلَاءُ﴾ علی المعصية في الدنيا {یومئذ} يوم القيامة متعلق بقوله {بعضهم لبعض عدو} إلا المتقين {المتحابين في الله علی طاعته فإنهم أصدقاء}.^{۵۱}

اگر روابط زنان و دختران در داخل و خارج از خانه مدیریت نشود، ممکن است از حالت عادی خارج شده و به تحریک‌گریزه و انحراف جنسی بیانجامد. تحقیقات نشان می‌دهد که در حدود یک‌سوم انحرافات جنسی، دختر و پسر قبل از ارتکاب معصیت و انحراف آشنا و با هم دوستی داشته‌اند، بنابراین، بسیاری از این جرایم از پیش طرح‌ریزی می‌شوند.^{۵۱}

۷. حرمت مقدمات زنا و تعیین مجازات‌های بازدارنده

شریعت اسلامی بر پایه جلب منافع و دفع مفسد بنا شده است. یکی از مقاصد اساسی شریعت، حفظ نسب و آبرو است. قرآن و سنت دلایل روشنی ارائه می‌دهند که بر اهمیت این امر تأکید

^{۴۷} النساء ۲۴/۴.

^{۴۸} الفرقان ۲۹-۲۸/۲۵.

^{۴۹} الزخرف ۶۷/۴۳.

^{۵۰} محلی، تفسیر جلالین، ۶۴۵.

^{۵۱} جورکوبه، پیش‌گیری اجتماعی از جرایم جنسی در قرآن، ۱۴۰.

دارند. ازاین رو، لازم است از اموری که به اختلاط نسب و هتک حیثیت افراد منجر می شود، جلوگیری شود.

یکی از رفتارهایی که احتمال فساد و اختلاط انساب را در پی دارد، مقاربت غیر مشروع با جنس مخالف است. به همین دلیل، قرآن کریم به صراحت تمامی عوامل و راه هایی را که منجر به این گناه می شوند، حرام اعلام کرده است. چنان که می فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^{۵۲}. "و (با انجام عوامل و انگیزه های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است".

و در سوره فرقان الله جل جلاله جزای سخت و سنگین را برای مجازات این عمل ننگین مقرر داشته است، چنان چه می فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (۶۸) يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا»^{۵۳}. (وکسانی اند که با الله، معبود دیگری را به فریاد نمی خوانند و پرستش نمی نمایند، و انسانی را که خداوند خودش را حرام کرده است، به قتل نمی رسانند مگر به حق، و زنا نمی کنند. چرا که هر کس (یکی از) این (کارهای ناشایست شرك و قتل وزنا) را انجام دهد، کیفر آن را می بیند).

زنا یکی از گناهان بزرگ در اسلام است که از نظر دینی، اخلاقی و اجتماعی آسیب های جدی به فرد و جامعه وارد می کند. علامه صابونی می گوید (قرن الله عز وجل الزاني بالمشرک وذلك لیشیر إلى عظیم خطر الزنی وکبیر ضرره وذلك جرم من أعظم الجرائم الاجتماعية یهدم بنیان الأسرة ویحطم کیان المجتمع). خدای عزوجل زناکار را در کنار مشرک قرار داده است و این برای اشاره به بزرگی خطر زنا و شدت ضرر آن است؛ زیرا زنا از بزرگ ترین جرایم اجتماعی است که بنیان خانواده را ویران می سازد و اساس جامعه را نابود می کند.^{۵۴}

این گناه آثار ویرانگری بر بنیان خانواده، اعتماد اجتماعی و سلامت فردی برجای می گذارد؛ ازاین رو، برای جلوگیری از آن بر مرتکب شونده آن مجازات سنگین تشریع شده است؛ چنان چه الله متعال در این مورد می فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»^{۵۵}. "هر یک از زن و مرد زناکار (مؤمن، بالغ، حر، و ازدواج ناکرده) را صد تازیانه بزنید و در (اجرا قوانین) دین خدا رأفت (و رحمت کاذب) نسبت بدی شان نداشته باشید، اگر به روز قیامت ایمان دارید، و

^{۵۲} الاسراء ۳۲/۱۷.

^{۵۳} الفرقان ۶۸/۲۵.

^{۵۴} صابونی، روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام، ۲۹۴.

^{۵۵} النور ۲/۲۴.

باید گروهی از مؤمنان بر (اجرا حکم ناظر، و به هنگام زدن تازیانه‌ها و) شکنجه ایشان حاضر باشند".

برای افراد متأهل، مجازات زنا «رجم» است که با دلایل محکم ثابت شده و کسی در آن تردید ندارد. علامه صابونی می‌گوید: (وَأَمَّا الرِّجْمُ : فقد ثبت بفعل النبي صلى الله عليه وسلم وقوله ، وعمله ، وكذلك بإجماع الصحابة والتابعين فقد ثبت بالروايات الصحيحة التي لا يتطرق إليها الشك ، وبطريق التواتر أن النبي صلى الله عليه وسلم أقام (حد الرجم) على بعض الصحابة كماعز ، والغامدية ، وأن الخلفاء الراشدين من بعده قد أقاموا هذا الحد في عهودهم وأعلنوا مراراً أن الرجم هو الحد للزنى بعد الإحصان وبقي هذا الحكم إلى عصرنا هذا لم يخالف فيه أحد). رجم (سنگسار) به صورت قطعی از قول و عمل پیامبر صلی الله علیه و سلم و همچنین اجماع صحابه و تابعین ثابت شده است. روایت‌های صحیح و متواتر بیان می‌کنند که پیامبر این حد را بر بعضی صحابه مانند ماعز و زن غامدی اجرا کرده و خلفای راشدین نیز پس از او بارها این حکم را اجرا کرده‌اند و تأکید داشته‌اند که رجم، حد زنا پس از ازدواج است. این حکم تا امروز باقی مانده و کسی با آن مخالفت نکرده است.^{۵۶}

در موسوعه راجع به حرمت زنا چنین می‌فرماید: (وقد أجمع أهل الملل على تحريمه. فلم يحل في ملة قط. ولذا كان حده أشد الحدود؛ لأنه جناية على الأعراض والأنساب. وهو من جملة الكليات الخمس، وهي حفظ النفس والدين والنسب والعقل والمال). تمام پیروان ادیان بر حرمت زنا اتفاق نظر دارند و در هیچ آیینی زنا حلال شمرده نشده است. به همین دلیل، حد آن از سخت‌ترین حدود است؛ چون تجاوز به ناموس و نسب انسان‌هاست. زنا برخلاف یکی از اصول پنج‌گانه اساسی شریعت است که شامل حفظ جان، دین، نسب، عقل و مال می‌باشد.^{۵۷}

۸. کنترل نگاه و پرهیز از چشم‌چرانی

چشم‌چرانی به عنوان یکی از رفتارهای ناپسند و مذموم، همواره مورد نکوهش اخلاقی، دینی و فرهنگی قرار گرفته است. این رفتار نه تنها حرمت انسان‌ها را زیر سؤال می‌برد؛ بلکه به تدریج زمینه‌ساز آسیب‌های روحی، اجتماعی و اخلاقی می‌شود. در متون دینی و ادبی، چشم‌چرانی به عنوان نخستین قدم در مسیری که به انحرافات بزرگ‌تر ختم می‌شود، معرفی شده است. چنان‌که شاعر مصری «شوقی» سروده است:

كل الحوادث مبداها من النظر "تمام لغزش‌ها و گرفتاری‌ها از نگاه شروع می‌شود"

^{۵۶} صابونی، روائع البيان في تفسير آيات الاحكام، ۲۰۷.

^{۵۷} وزارة الاوقاف وشؤون الاسامية، الموسوعة الفقهية الكويتية، ۲۰/۲۴.

ومعظم النار من مستصغر الشرر "همان طور که آتش های بزرگ از جرقه های کوچک به وجود می آیند"

نظره... فابتسامه... فسلام... فکلام... فموعد... فلقاء...^{۵۸} "اول نگاه... بعد لبخند... سپس سلام... پس از آن گپ و گفت... وعده ملاقات... و در نهایت دیدار".

این زنجیره به خوبی نشان می دهد که یک نگاه ساده، اگر مهار نشود، می تواند به مسیری خطرناک و گناه آلود بی انجامد. نگاه حرام، گرچه در ظاهر ممکن است بی اهمیت جلوه کند؛ اما در واقع آغازگر فرآیندی است که مرزهای اخلاقی و ارزشی را یکی پس از دیگری می شکند. نیز فرموده اند: (فإن العين مفتاح القلب، والنظر رسول الفتنة، ویرید الزنی).^{۵۹}

از این جهت خداوند متعال هر دو گروه (مردان و زنان مؤمن) را به حفظ نگاه پیوسته به حفظ فروج دستور داده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾^{۶۰} وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ^{۶۱}.

این پیوستگی بین کنترل نگاه و حفظ عفت در این آیات نشان دهنده اهمیت نقش نگاه در پیشگیری از انحرافات و گناهان بزرگ تر است. نگاه حرام، اگر به درستی مدیریت نشود، می تواند به گناهان دیگر از جمله ارتباطات نامشروع و نقض حرمت ها منجر شود. در واقع، نگاه حرام همانند جرقه ای است که اگر کنترل نشود، به آتش گسترده ای تبدیل خواهد شد.

خداوند متعال تمام نگاه های پنهانی را به عنوان یک خیانت یاد کرده است: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾^{۶۲} "خداوند از دزدانه نگاه کردن چشم ها و از رازی که سینه ها در خود پنهان می دارند، آگاه است".

با توجه به این مسائل، می توان گفت که چشم چرانی نقطه آغاز بسیاری از انحرافات اخلاقی و کنترل نگاه، اولین گام در مسیر حفظ پاکی دل و جامعه است و بی توجهی به آن، می تواند نتایج جبران ناپذیری به همراه داشته باشد.

۹. لزوم محدودیت در خروج غیر ضروری از خانه

از جمله عوامل تربیتی کنترل غرایز جنسی مسأله عدم بیرون رفتن خانم ها از خانه می باشد، از آن جای که در اسلام اصل و اساس بر این است که زن باید از خانه بدون نیاز و ضرورت بیرون

^{۵۸} علی بن نایف شحود شحود، احکام الحجاب، دائرة معارف الأسرة المسلمة (بی جا: بی جا، نسخه الکترونیکی المكتبة الشاملة، الاصدار الرابع، بی تا)، ۳۳۶/۸.

^{۵۹} شحود، احکام الحجاب، دائرة معارف الأسرة المسلمة، ۳۳۶/۸.

^{۶۰} النور ۲۴/۳۰.

^{۶۱} النور ۲۴/۳۱.

^{۶۲} غافر ۴۰/۱۹.

نشود. (وقار المرأة فی قرارها، بخلاف الخراجة الواجبة... فبقاؤها فی بیتها هو الأصل، فهو عزیمة شرعیة فی حقهن، و خروجهن رخصة لا تكون الا لضرورة او حاجة بضوابط الخروج الشرعیة).^{۳۳} وقار و ارزش زن در ماندن او در خانه است، برعکس زنی که زیاد بیرون می‌رود و در رفت و آمد است. اصل برای زن، ماندن در خانه است، و این یک حکم قطعی شرعی برای آنان است؛ اما بیرون رفتن برای‌شان تنها در صورت ضرورت یا نیاز و آن هم با رعایت شرایط شرعی، جایز است. در بسا آیات و احادیث به این موضوع اشاره و تشویق بر عدم خروج زنان از خانه شده است؛ چنان‌چه الله جل جلاله در سوره احزاب می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِی بُیُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَةِ الْأُولَى...﴾.^{۳۴} و در خانه‌های خود بمانید (و جز برای کارهایی که خدا بیرون رفتن برای انجام آن‌ها را اجازه داده است، از خانه‌ها بیرون نروید) و همچون جاهلیت پیشین (قبل از اسلام) در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید.^{۳۵} در تفسیر ابن‌کثیر و صفوة التفاسیر می‌فرماید: (أی الزَّمنَ بیوتکُنَّ ولا تخرجن لغير حاجة).^{۳۶} در خانه‌های خود بمانید و بدون نیاز بیرون نشوید.

در آیه دستور صریح بر ماندن خانم در خانه است و این‌که مانند زمان جاهلیت (در بیرون از خانه‌ها) اظهار زینت نکنند. بنابر دستور صریح آیه فوق زنان بدون نیاز و ضرورت از خانه بیرون شده نمی‌توانند. «الأصل أن النساء مأمورات بلزوم البيت منهيات عن الخروج».^{۳۷} علامه مفتی محمد شفیع در تفسیر معارف القرآن خود تفسیر آیه فوق می‌فرماید: در این آیه دستور اصلی در خصوص حجاب این است که زنان در خانه‌های خود بنشینند؛ یعنی بدون ضرورت شرعی بیرون نروند. در ادامه اضافه می‌کند، که از این آیت در ارتباط با حجاب دو چیز معلوم شد، نخست این‌که مطلوب اصلی برای زنان نزد خدا این است که آن‌ها از خانه بیرون نیابند، که آفرینش آن‌ها برای کارهای خانگی است که در آن مشغول باشند و اصل حجاب که در شریعت مطلوب است حجاب در خانه‌هاست (حجاب در خانه ماندن بهتر رعایت می‌شود).

امر دوم این‌که اگر گاهی زن از خانه بیرون آید پس با اظهار زینت بیرون نیاید؛ بلکه با پوشیدن برقع و جلباب که کل بدن پوشیده باشد، خارج شود.^{۳۸} اما ناگفته نماند که خروج کاملاً ممنوع نیست؛ بلکه در مواقع ضرورت با رعایت حجاب و عدم تبرج (عدم اظهار زینت) اشکالی ندارد.

^{۳۳} خالد بن عثمان السبّ، الاختلاط بین الجنسین فی المیزان (بی‌جا: مکتبة دار المنهاج للنشر و التوزیع، ۱۴۳۲ هـ.ق).

۹.

^{۳۴} الاحزاب ۳۳/۳۳.

^{۳۵} محمد علی صابونی، مختصر تفسیر ابن‌کثیر (لبنان: بیروت - دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۲ هـ.ق)، ۹۳/۲.

^{۳۶} أحمد بن علی أبو بکر الرازی جصاص، احکام القرآن (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ.ق)، ۲۲۹/۵.

^{۳۷} مفتی محمد شفیع عثمانی، معارف القرآن، مترجم. مولانا محمد یوسف حسین پور (ترتیب جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۷۷ هـ.ق)، ۷۴/۱۱.

زیرا پیامبر صلی الله و علیه و سلم برای ازواج مطهرات مواقع ضرورت را چنین بیان داشته اند: «لأنه قد أذن لكن أن تخرجن لحاجتكن».^{۶۸} برای شما در هنگام ضرورت اجازه خروج داده شد. هرگاه حضرت عایشه رضی الله عنها این آیت «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» را تلاوت می نمود، به قدری گریه می کرد که چادر او از اشک هایش تر می شد. گریه اش جهت واقعه ناگوار و شدید که در اثر بیرون آمدن او از خانه اتفاق افتاد بود و در این هنگام عمار برایش گفت: «ان الله قد امرک ان تقری فی بیتک».^{۶۹} «خداوند برایت دستور داده است تا در خانه ات بمانی» برای «سوده» که یکی از ازواج مطهرات است گفته شد: «لم لا تحجین و تعتمرین کما یفعل اخواتک؟ فقالت: «قد حججت و اعتمرت، و امرنی الله ان أقر فی بیتی قال الروای: فوالله ما خرجت من حجرتها حتی اخرجت جنازتها».^{۷۰} «از سوده رضی الله عنها پرسیدند: «چرا مانند خواهرانت حج و عمره نمی کنی؟» او پاسخ داد: «من حج و عمره ام را انجام داده ام، و خداوند به من دستور داده که در خانه ام بمانم».

راوی می گوید: به خدا سوگند، او هرگز از حجره اش بیرون نرفت؛ تا زمانی که جنازه اش را بیرون بردند».

مراد از تبرج اظهار زینت است چنانچه می فرمایند: (وَأمر بلزومهن البيوت ونهاهن عن تبرج الجاهلية، وهو إظهار الزينة والمحاسن كالرأس والوجه والعنق والصدر والذراع والساق ونحو ذلك من الزينة لما في ذلك من الفساد العظيم والفتنة الكبيرة وتحريك قلوب الرجال إلى تعاطي أسباب الزنا).^{۷۱} او به زنان دستور داد که در خانه های خود بمانند و از تبرج جاهلی (نمایش زینت و زیبایی ها) همچون آرایش و نمایاندن قسمت هایی از بدن مانند سر، صورت، گردن، سینه، بازوها، ساق ها و موارد مشابه پرهیز کنند؛ زیرا در این کار فساد و فتنه بزرگی نهفته است که دل های مردان را به سوی گناهان و زنا می کشاند.

همچنین در حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم است که هرگاه زن از خانه بیرون شود شیطان وی را تعقیب می کند، تا هم خودش و هم دیگران را به سبب آن به گناه آغشته نماید «المرأة عورة، فإذا خرجت استشرفها الشيطان، وأقرب ما تكون من ربه إذا هي في قعر بيتها».^{۷۲} «زن عوره است، و زمانی که از خانه بیرون می رود، شیطان به سوی او توجه می کند». زن زمانی که در عمق خانه اش

^{۶۸} مسلم، صحیح المسلم، ۱۷/۲۱۷۰.

^{۶۹} لطف الله بن عبد العظيم خوجه، تسوية المرأة بالرجل (بی جا: دارالسلف، ۱۴۴۰هـ.ق/ ۲۰۱۹)، ۱۱۱.

^{۷۰} خوجه، تسوية المرأة بالرجل، ۱۱۱.

^{۷۱} عبدالعزيز بن عبدالله ابن باز، التبرج و خطر مشاركة المرأة للرجل فی میدان عمله (المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۲۳هـ.ق)، ۶.

^{۷۲} امیر علاء الدین علی بن بلبان فارسی، صحیح ابن حبان (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸هـ.ق/ ۱۹۸۸م)، ۴۱۳/۱۲. (۵۵۹۹).

باشد، به خداوند نزدیک‌تر است. از دیدگاه فقه احناف نیز حکم همین است، چنان‌چه در درالمختار می‌فرماید: (و) لها (السفر والخروج من بیت زوجها للحاجة).^{۷۳}

۱۰. نظارت دقیق بر رفتار اجتماعی زنان و دختران

نظارت دقیق بر رفتار اجتماعی زنان و دختران تربیت جنسی بخشی از تربیت اسلامی است که والدین، به‌ویژه مادران، در آن نقش مهمی دارند. مادر با محبت و آگاهی می‌تواند اصولی مانند حیا، عفت و آگاهی صحیح را در فرزند خود نهادینه کند تا او از انحرافات در امان بماند. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»^{۷۴} «ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی برکنار دارید». همچنین، توصیه پیامبر صلی الله علیه و سلم به آموزش نماز از هفت سالگی و تفکیک جای خواب فرزندان در ده سالگی، نشانه‌ای از لزوم توجه به حریم شخصی و رعایت اصول اخلاقی در تربیت جنسی است، چنان‌چه پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: [مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَأَضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا، وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ].^{۷۵} «به فرزندان دستور دهید که از هفت سالگی نماز را آغاز کنند و زمانی که به ده سال رسیدند، آن‌ها را به خاطر ترک نماز تنبیه کنید. همچنین بسترهای خواب‌شان را از هم جدا کنید». این توصیه‌ها والدین را به سمت ایجاد محیطی سالم اخلاقی برای رشد فرزندان هدایت می‌کند.

کودکان پیش از رسیدن به سن تکلیف، موظف به کسب اجازه در سه زمان مشخص هستند: قبل از نماز صبح، هنگام استراحت نیمروز (وقت کنار گذاشتن لباس‌ها)، و پس از نماز عشاء. اما پس از رسیدن به بلوغ، خداوند آن‌ها را به رعایت آداب اجازه در تمامی اوقات همانند دیگر افراد مکلف ملزم کرده است.

این امر نشان‌دهنده توجه ویژه اسلام به تربیت جنسی و اخلاقی فرزندان است تا آن‌ها از همان کودکی، درک درستی از آداب و مسؤولیت‌های شرعی خود داشته باشند.

اگر رفتار و روابط زنان و دختران در محیط‌های اجتماعی و حتی در خانه مدیریت نشود، این روابط ممکن است از حد عادی فراتر رفته، به تحریک غریزه و انحراف جنسی منجر شود. تحقیقات نشان داده که در بسیاری از موارد انحرافات اخلاقی، قربانی و مجرم از پیش با یکدیگر آشنا بوده‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از تخلفات اخلاقی پیش از وقوع،

^{۷۳} ابن عابدین، الدرالمختار و حاشیه ابن عابدین ردالمحتار، ۱۴۵/۳.

^{۷۴} التحریم ۶/۶۶.

^{۷۵} سلیمان ابن اشعث ابوداود سجستانی، سنن ابی داود (بیروت: دارالفکر، بی‌تا)، ۱/۱۳۳، (۴۹۵).

برنامه‌ریزی می‌شوند. نظارت دقیق بر رفتار اجتماعی زنان و دختران، یکی از راه‌های جلوگیری از این آسیب‌هاست.^{۷۶}

نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر این بود که راهکارهای مؤثر جهت کنترل غرایز جنسی را در قرآن کریم شناسایی نموده تا راهکارهای عملی برای جلوگیری از انحرافات جنسی شناسایی شده و اصول تربیتی کنترل غرایز جنسی مشخص گردد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که قرآن کریم برای کنترل غرایز جنسی، مجموعه‌ای از راهکارهای تربیتی و عملی ارائه داده است که رعایت آن‌ها می‌تواند به سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه کمک کرده و از انحرافات اخلاقی - جنسی جلوگیری کند. رعایت حجاب، کنترل نگاه، پرهیز از اختلاط غیر ضروری، نظارت بر رفتار اجتماعی، تسهیل ازدواج، نهی از رفتارهای تحریک‌آمیز، امتناع از دوستی با جنس مخالف، حرمت زنا و تعیین مجازات‌های بازدارنده و محدودیت در خروج غیر ضروری زنان از خانه، از جمله راهکارهای کلیدی قرآن در این زمینه هستند. این اصول نه تنها مانع بروز آسیب‌های اخلاقی می‌شوند؛ بلکه موجب ایجاد محیطی سالم، متعادل و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی در جامعه خواهند شد.

از تحقیق حاضر ثابت شد که فرضیه ما درست بوده، در قرآن کریم راهکارهای تربیتی جهت کنترل غرایز جنسی وجود دارد که اعمال این راهکارها برای ایجاد جامعه سالم و عاری از موارد خلاف اخلاقی و جنسی یک گام مؤثر و ضروری پنداشته می‌شود. بنابراین، برای دستیابی به این هدف پیشنهاد می‌گردد که مسؤولان فرهنگ و بزرگان خانواده‌ها با تدوین و اجرای برنامه‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، زمینه را برای تقویت ارزش‌های اخلاقی، تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از انحرافات اخلاقی فراهم سازند. همچنین، آموزش صحیح این مفاهیم به نسل جوان از طریق خانواده‌ها، رسانه‌ها و نظام آموزشی، نقشی اساسی در پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی ایفا خواهد کرد. پایبندی به این دستورات و ارشادات اسلامی، راهی مطمئن برای تحقق سبک زندگی سالم و مبتنی بر تعالیم قرآنی خواهد بود.

^{۷۶} جورکوبه، پیشگیری اجتماعی از جرایم جنسی در قرآن، ۱۴۰.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. أبو منصور، محمد بن احمد. تهذيب اللغة. بيروت: دار احياء التراث العربی، ۲۰۰۱ م.
۲. ابن باز، عبدالعزيز بن عبدالله. التبريج و خطر مشاركة المرأة للرجل فی میدان عمله. المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۳. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر. الدر المختار و حاشية ابن عابدين رد المختار. جلد ۶، ۳، ۲. بيروت: دار الفكر. ۱۴۱۲ هـ.ق/ ۱۹۹۲ م.
۲. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم بن محمد. البحر الرائق شرح كنز الدقائق. بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
۳. اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف. البحر المحيط فی التفسير. بيروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۴. بخاری، أبو عبدالله. محمد بن إسماعيل. صحيح البخاری. بی جا: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۵. بیهقی، أحمد بن الحسين بن علي. شعب الایمان. ریاض: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع، ۱۴۲۳ هـ.ق/ ۲۰۰۳ م.
۴. تفسير نور. مترجم. خرم دل، دكتور مصطفى. بی جا: بی جا، نسخه الكترونيكي، المكتبة الشاملة، الاصدار الرابع، بی تا.
۶. جرجاوی، شيخ على احمد. حکمة الشريعة الاسلامی. بيروت: لبنان، دارالفکر، ۱۴۲۴ هـ.ق/ ۲۰۰۳ م.
۷. جصاص، أحمد بن علي أبو بكر الرازي. احكام القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۸. فرزندوحي، جمال «و دیگران». «راه کارهای جلوگیری از انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات». فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی ۱۱/۳ (زمستان ۱۳۹۱). ۳۶-۵۶.
۹. جورکوبه، علي محمد. "پيشگيري اجتماعي از جرايم جنسي در قرآن". قرآن، فقه و حقوق اسلامي ۳/۲ (پايز و زمستان ۱۳۹۴). ۱۱۹-۱۴۷.
۱۱. خوجه، لطف الله بن عبدالعزيز. تسوية المرأة بالرجل. بی جا: چاپ اول، دارالسلف. ۱۴۴۰ هـ.ق/ ۲۰۱۹ م.
۱۲. رازی، مفاتيح الغیب او التفسير الكبير للامام فخرالدين. بی جا: موقع شبکه مشكاة الاسلامیة. نسخه الكترونيكي از المكتبة الشاملة، الاصدار الرابع، بی تا.
۱۳. السبت، خالد بن عثمان. الاختلاط بين الجنسين فی الميزان. بی جا: چاپ اول، مكتبة دار المنهاج للنشر و التوزيع، ۱۴۳۲ هـ.ق.

۱۴. سجستانی، ابوداود سلیمان ابن اشعث. سنن ابی داود. بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۵. سرخسی، محمد ابن أحمد بن أبی سهل شمس الأئمة. المبسوط للسرخسی. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴هـ.ق/ ۱۹۹۳م.
۱۷. شحود، علی بن نایف شحود. احکام/الحجاب. دائرة معارف الأسرة المسلمة. بی جا: نسخه الکتونکی المكتبة الشاملة، الاصدار الرابع، بی تا.
۱۸. صابونی، محمد علی. روائع البیان تفسیر آیات الأحکام. بیروت: مكتبة الغزالی - دمشق، مؤسسة مناهل العرفان، ۱۴۰۰هـ.ق/ ۱۹۸۰م.
۱۹. صابونی، محمد علی. مختصر تفسیر ابن کثیر. بیروت: لبنان، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۲هـ.ق.
۲۰. صالح المرشد، منصور بن سعد. غص البصر و اثره فی الوقایة من الجريمة الاخلاقية. بی جا: جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية. ۱۴۲۹هـ.ق/ ۲۰۰۸م.
۲۱. طبرانی، سلیمان ابن احمد ابن ایوب. المعجم الكبير. القاهرة: مكتبة ابن تيمية، ۱۴۱۵هـ.ق/ ۱۹۹۴م.
۲۲. عثمانی، مفتی محمد شفیع. معارف القرآن. مترجم: مولانا محمد یوسف حسین پور. تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۷۷هـ.ق.
۲۳. فارسی، امیر علاء الدین علی بن بلبان. صحیح ابن حبان. بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸هـ.ق/ ۱۹۸۸م.
۲۴. قلعجی، محمد رواس. معجم لغة الفقهاء. بی جا: دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ دوم، ۱۴۰۸هـ.ق/ ۱۹۸۸م.
۲۵. کاسانی، علاء الدین أبو بکر بن مسعود. البدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بی جا: دار الکتب العلمية، ۱۴۰۶هـ.ق - ۱۹۸۶م.
۲۶. محلی، جلال الدین محمد بن احمد. تفسیر الجلالین. قاهره: دار الحديث، بی تا.
۲۷. محمد ابن أحمد الصالح، التحديات المعاصرة للأسرة المسلمة وحلولها ظاهرة العزوف عن الزواج مظاهراً غراء بالفواحش العلاقات الجنسية المحرمة وآثارها. بی جا: المجمع الفقهي الإسلامية، جامع الکتب الإسلامية، بی تا.
۲۸. مرغینانی، أبو الحسن برهان الدین. الهدایه فی شرح البدایه. بیروت: لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۹. مروتی، سهراب «و دیگران»، "علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات"، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده ۲/۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، ۹۳-۱۱۳.
۳۰. مهیدیه السادات مستقیمی، «و دیگران»، "تحلیلی از متانت گفتاری زبان قرآن در حورزه التذادات جنسی"، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان ۴۹/۱۳ (پاییز ۱۳۹۸)، ۱۰۷-۱۵۶.

۳۱. نیسابوری، مسلم ابن الحجاج ابوالحسن القشیری. صحیح المسلم. بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۲. نوری زاد، عبدالصمد. "قرآن و بهداشت جنسی خانواده ها". مجله راه قرآن ۳ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۵). ۳۵-۳۰.
۳۳. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية. الموسوعة الفقهية الكويتية. جلد ۱۹-۲۴. کویت: دارالسلاسل، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ.ق.